



عنوان مقاله : سبک های بازیگری

استادان : سرکار خانم پریسا ذاکری و جناب آقای علی حیدریان

نام مؤلف: زهرا خلفی

چکیده :

هنر نمایش یا همان تئاتر دارای سبک و روشهای خاصی در دنیای هنرهای نمایشی میباشد که در ادامه به تعدادی از آنها میپردازم ...

لازم به ذکر است که این سبکها مختص و منحصر به هنر نمایش نمیباشد و در اصل یک سبک و روش و تکنیکی است که تمامی هنرها را در بر میگیرد و هنر نمایش نیز چون سایر هنرها از این سبکها متأثر میباشد و در سراسر دنیا و کشور خودمان اجرا میشود ...

فهرست :

Expressionism | اکسپرسیونیسم

Dadaism | دادائیسم

Romanticism | رومانتیسم

Realism | رئالیسم

Symbolism | سمبولیسم | نماد گرایی

فواید آشنایی با ژانر

Adaptation | اقتباس

Abstraction | انتزاعی

Problem Play | انتقادی - اجتماعی

Bourgeois Drama | نمایش بورژوا

Theatre of Absurd | تئاتر ابسورد

Absurdity | پوچی

Absurd Comedy | کمدی ابسورد

Adult Comedy | کمدی بزرگسال

Bizarre Comedy | کمدی عجیب و غریب

Black Comedy | کمدی سیاه

- Comedic Monologue مٲونولوگ كمدى _
- Comedy Drama كمدى دراما _
- Comedy in Rhyme and Rhythm كمدى قافيه و وزن _
- Comedy Satire كمدى ساتير _
- Comedy Western كمدى وسترن _
- Comic Sketch طرح كميك _
- Comic Skit كمدى هجو _
- Curtain – Raiser Comedy كمدى پيش پرده _
- Dark Comedy كمدى تيره _
- Musical Comedy كمدى موزيكال _
- Romantic Comedy كمدى رمانتيك _
- Satiric Comedy كمدى ساتيريك _
- Sentimental Comedy كمدى احساساتى _
- Bourgeois Comedy كمدى بورژوا _
- Allegory نمايش تمثيلى _
- Avant-Garde آوانگارد _
- Bare – Stage صحنه برهنه _
- Brief Sketch طرح ساده _
- Chamber Opera اپراى خانگى _
- Opera اپرا _
- Historical Drama نمايش تاريخى _
- Chamber play نمايش خانگى _

- Choreo poem** کورئو پونم _
- Craft Cycle** _
- Drama** دراما _
- Dramatic Monologue** مونولوگ دراماتیک _
- Dramatic Reading** خوانش دراماتیک _
- Duo Logue** نمایش دو نفره _
- Fantasy Drama** نمایش فانتزی _
- Farce** فارس _
- Farce – Melodrama** فارس ملودراما _
- Half – Hour Monologue** مونولوگ نیم ساعته _
- Masque** ماسک _
- Melodrama** ملودراما _
- Mime** میم _
- Monodrama** مونودراما _
- Morality play** نمایش اخلاقی _
- Multimedia Theatre** تئاتر مولتی مدیا _
- Mystery** راز _
- Mystery Melodrama** ملودرامای رازآمیز _
- Passion play** نمایش مصیب _
- Piece for Voice and Percussion** نمایش آوا و کوبش _
- Play with Music** نمایش توام با موسیقی _
- Radio Play** نمایشنامه رادیویی _

جنگ نمايشى Revue _

رومنس Romance _

فارس رمانتيك Romantic Farce _

ساتير Satire _

فانتزى ساتيريك Satiric Fantasy _

نمايش علمى تخيلى Science Fiction play _

نمايشنامه صوتى بصرى کوتاه Short Audio and Visual Piece _

درام تعليقى Suspense Drama _

نمايشنامه سمبوليك Symbolical play _

نمايش شعري Theatre Poems _

تريئر (هيجان انگيز) Thriller _

كار آگاهى - معمايى Detective and Mystery _

جنگ War _

نمايش مستند Documentary Drama _

تئاتر مدرن Modern Drama _

نمايش سياسى Political Drama _

سورئاليسم _

تئاتر پوچي _

امپريسيونيسم _

فرماليسم _

تئاتر اپيك (نمايش روايتى، ارسطويى) (Epic theatre) _

ناتورئاليسم (طبيعت گرايى) (Naturalism) _

_ مدرنیسم

_ کمدی کلاسیک (طنز کهن)

_ کمدی رمانتیک (کمدی عاشقانه)

_ سبک بازیگری در یونان و روم باستان

_ سبک بازیگر در قرن نوزدهم - استانیسلاوسکی

_ سبک بازیگری میخائیل چخوف

_ سبک بازیگری استلا آدلر

_ سبک بازیگری برشت

_ سبک بازیگری لی استراسبرگ

_ سبک بازیگری مایزور

_ متد بازیگری یوتا هیگن

_ ویولا اسپولین

مقدمه :

سبک های بازیگری و تکنیک های بازیگری متفاوتی در بازیگری وجود دارد. همانطور که در سایر هنرهای خلاقانه نیز وجود دارد (مثلاً سبک های نقاشی) و حتی می توانید سبک ها و تکنیک های مختلفی در تئاتر و نمایشنامه نویسی بنویسید. به عنوان یک بازیگر، نیاز است که با این سبک ها آشنایی داشته باشید. بازیگران محبوب سطح اول هالیوود، همه از سبک های بازیگری مختلف برای ساختن شخصیت و زنده کردن آن استفاده می کنند.

این مقاله بسیاری از ژانرهای شناخته شده در دنیای ادبیات نمایشی را در برخواهد گرفت. نکاتی که براساس وجه تمایز این ژانرها طبقه بندی شده اند، می توانند به افراد برای آشنایی با یک نمایشنامه، اجرا یا نقد آن کمک فراوانی کنند. این راهنما می تواند در انجام تحقیقات و حتی پایان نامه های دانشگاهی مورد استفاده قرارگیرد. طبقه بندی آثار نویسندگان بزرگ جهان، شناخت ساختار آنها، توجه به موضوعات مورد بحث در نمایشنامه های گوناگون و ... از جمله مواردی هستند که با استفاده از این راهنما ساده تر صورت می گیرند.

ژانرشناسی تئاتر براساس دو وجه مهم موضوعی و ساختاری انجام می شود. از آنجایی که هر نمایشنامه به اندیشه نویسنده و تمی که در آن جاری است، وابسته است و ساختار تکنیکی نیز به آشکار شدن همین موضوع و تم کمک می کند، ژانرشناسی نیز باید با توجه به این موارد مهم و اساسی انجام گیرد. پیش از هر چیز کلمه خاصی که در بردارنده نام هر ژانر است، توجه ما را به سوی موضوع یا محتوای نمایش و همچنین شکل ظاهری آن جلب می کند. این مساله، درست مشابه ژانرشناسی سینما صورت می گیرد. با این تفاوت که در تئاتر، کلام بیش از تصویر، نقش تعیین کننده دارد و البته امروزه ژانرهایی پدید آمده اند که کلام در آنها نقشی ندارد و هر حرکت، عاملی تعیین کننده است.

به طور سنتی، ژانرهای نمایشی را به دسته‌های تراژدی، کمدی، حماسی یا اپیک، غنایی و شبانی تقسیم‌بندی کرده‌اند. اما تقسیم‌بندی جدید بیش از هر چیز اذعان دارد که قبل از هر شخص دیگر، این نویسنده اثر است که ژانر نوشته خود را می‌داند و تعیین می‌کند. بنابراین به طور قطع ژانرشناسی نیز مثل بسیاری از تقسیم‌بندی‌های هنری، نسبی است و جنبه‌های قطعی ندارد. مجموعه آگاهی و دانش تماشاگر و هنرمند است که به صورت ساختارمند و در قالب آموزشی مطرح می‌شود و نوع یک اثر هنری را نزدیک به هدف نویسنده تعیین می‌کند.

شناخته شدن این تقسیم‌بندی‌ها در حوزه نقد نیز بسیار موثر خواهد بود. اگر از این زاویه به موضوع بنگریم که هدف اصلی نقد در ابتدا آگاهی رساندن به مخاطب است، ژانرشناسی می‌تواند در شکل‌گیری سلیقه تماشاگر و آگاهی‌رسانی، اثری مستقیم داشته باشد. زمانی که منتقد بر اساس جدول ژانرشناسی، یک نمایش را واجد شرایط ساختاری یا اندیشگی یک یا چند ژانر اعلام کند، این موضوع به مخاطب کمک می‌کند که در انتخاب خود با پشتوانه‌ای علمی عمل کند و پیشاپیش نسبت به آنچه اجرا می‌شود، از نوعی دانش برخوردار باشد.

در ضمن، تعیین ژانر در نقد اثر نمایشی، می‌تواند به مخاطب و حتی خود هنرمند در شناخت عرصه‌های اجرایی یا پس‌زمینه‌های ادبی اثر، حال و هوا و فضای آن و تجزیه و تحلیل ذهنی، کمک کند.



اکسپرسیونیسم | Expressionism

از این سبک نمایشی، برای بیان احساسات، تصورات و رویاها و حالات درونی به صورت تکان دهنده و متضاد استفاده می‌شود. نمایشنامه نویس‌های اکسپرسیونیست، غالباً فقط ویژگی‌های روانشناسی شخصیت اصلی نمایش را در نظر گرفته و از طریق ذهنیات او، حرف‌های خود را منتقل می‌کردند.

این اصطلاح نخستین بار در نقاشی و برای تمایز بین عده‌ای از نقاشان که از سبک امپرسیونیسم جدا شده بودند، به کار رفت. دلمشغولی اکسپرسیونیست‌ها بیان تصورات، احساسات و رویاهایشان بود. همین رویکرد نیز در تئاتر آلمان سال‌های بلافصل پیش از جنگ جهانی اول رواج یافت. اکسپرسیونیست‌های آلمان نیز تلاش داشتند تا حالات درونی، و ناخودآگاه انسان را به نمایش بگذارند. آنها قراردادهای منطقی، نظم، تناسب یا قاعده‌های متداول و رسوم رفتار و آداب سخن را که بر نمایش رئالیستی و ناتورالیستی سده‌ی نوزدهم چیره بود کنار نهادند. شیوه‌ها و مضمون‌هایی که این نوع نمایش‌ها اغلب تکان دهنده و پر تضاد بود. نمایشنامه‌نویسان اکسپرسیونیست، که نظرگاهشان در درجه نخست ذهنی بود، غالباً فقط به شخصیت اصلی نمایش عمق روانشناسانه می‌دادند. و از طریق او مکنونات ذهنی و درونی خود را آشکار می‌ساختند. عمر اکسپرسیونیسم ناب چندان طولانی نبود ولی تأثیر ژرفی بر نمایشنامه‌نویسانی همچون شون اکیسی، ساموئل بکت، اوژن یونسکو، ژان

ژنه و کارهای آغازین یوجین اونیل نهاد.

دادائیسم | Dadaism

از انجایی که طرفداران این سبک نمایشی کاملاً نیهیلیست بودند بنابراین، نمایشنامه‌های آنها هم به نوعی غیرمتعارف و بی معنا بود و گاهی اوقات، تماشاچیان نسبت به آنها واکنش تندی نشان می دادند.

با وقوع جنگ جهانی اول و وقوع کشتار و ویرانی‌های بسیار، تکان عمیقی به نفسانیات اروپاییان وارد آمد. یکی از این واکنش‌ها مربوط به برخی از هنرمندان آلمانی به این آشفتگی، پی‌ریزی جنبش دادا بود. این جنبش به تمامی نیهیلیستی بود و معتقد بود که چون جهان فاقد معنا است، فقط یک هنر بی معنا می‌تواند واکنش درستی نسبت به آن باشد. آنها می‌کوشیدند تا با از بین بردن تمام معیارهای سنتی هنر به بورژوازی بقبولانند که دنیایش تا چه اندازه کریه است. از این رو رونمایشنامه‌های آنها کاملاً نامتعارف بود. نمایش‌های آنها در واقع چیزی نبود جز بازیهای خلق الساعه و بی معنا. این نمایش‌ها گاه با واکنش تند تماشاچیان مواجه می‌شد.

رومانتیسم | Romanticism

نکته مهم و اصلی که در این سبک نمایش بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته این است که تجارب ذهنی و احساسات نسبت به منطق، اهمیت بیشتری دارند. بنابراین، نمایش‌نامه‌نویس‌های این سبک، ترجیح می‌دهند همه چیز را آنطور که آرزو دارند، به همه نشان دهند.

این جنبش که در اواخر سده ی هجدهم شکل گرفت، همواره تأکید داشت که احساسات و تجارب ذهنی شخصی، واقعی‌تر و مهم‌تر از چیزهای منطقی و عقلانی است. رومانتیسم در واقع گریز از قاعده‌های کلاسیسم است. رومانتیکیها طبیعت را نه آن‌گونه که هست، بل آن‌گونه که آرزو می‌کردند، به صف در می‌آوردند. اولین نمود رومانتیسم در نمایش به جنبش "شوروش و کوشش" در آلمان مربوط می‌شود که با نمایشنامه‌های اولیه ی شیلر و گوته شکل گرفت. سپس این سبک در انگلستان با نمایشنامه‌های کیتس، شلی و لرد بایرون تداوم یافت. البته بسیاری بر این عقیده اند که عمر این جنبش هنوز به سر نیامده و هنوز آثار زیادی را می‌توان سراغ گرفت که متأثر از این سبک هستند.

رئالیسم | Realism

نمایش نامه نویس های این سبک، انسان و جامعه را زنده می داند و چیزهایی را جستجو می کند که زیر لایه زندگی هستند و سعی دارد که زندگی را طبق واقعیت نشان دهد. علاوه بر این، این گونه نمایشنامه ها بر اساس قوانین طبیعت و جامعه نوشته شده و پدیده های و رخداد های انسانی را در قالب موقعیت محیطی و فردی خاص و هیجان انگیز به نمایش می گذارد.

هنرمندان رئالیست می کوشند تا زندگی را آن چنان که در واقع هست نمایش دهند. ساختمان نمایشنامه های رئالیستی بر قوانین طبیعت و جامعه استوار است و پدیده های روانی انسان را در پرتو موقعیت محیطی و ویژگی های فردی می جوید. هنرمند رئالیست اجتماع را چون موجودی زنده و پویا می نگرد و انسان را نیز نه از جنبه ی زیست شناسانه بل انسان تاریخی و اجتماعی می داند و به جستجوی آن چیزهایی است که زیر لایه های زندگی پنهان هستند. از هنریک ایبسن به عنوان پیشرو و نمایشنامه نویسان رئالیست نام می برند. از دیگر نمایشنامه نویسان می توان به ماکسیم گورکی، آنتوان چخوف، تنسی ویلیامز، و آرتور میلر اشاره کرد.

سمبولیسم | نماد گرایی | Symbolism

از نظر طرفداران این سبک، واقعیت های عینی ارزشی نداشته و چیزهای نهفته و ذهنی و درونی واقعی تر هستند. از طرف دیگر باید برای بیان این حقایق از استعاره، نماد و یا اسطوره بهره گرفت تا احساسات برانگیخته شده و وقایع به درستی درک شوند

اولین انحراف از رئالیسم محسوب می شود. ایبسن که خود از جرگه رئالیست ها بود، به تدریج در آخرین آثار خود به سمت سمبولیسم یا نمادگرایی گرایش یافت. هنرمندان سمبولیست معتقد بودند که نتایج رئالیستی بر ماوراءالطبیعه چشم پوشیده و لذا نگرشی یک بعدی از انسان به دست می دهد. در نظر اینها واقعیت عینی خارجی چیز بی اهمیتی بود و واقعیت حقیقی تر و نابتر در چیزهای درونی، ذهنی و مرموز نهفته بود. ولی چنین واقعیتی را نمی توان مستقیماً از راه گفتار عمل و صحنه پردازی ارائه داد، بلکه باید با استفاده از نماد، استعاره و اسطوره به آن اشاره کرد. هدف آنها برانگیختن احساس برای درک غیرمستقیم واقعیت بود. به گمان آنها هرچقدر نماد را کمتر بتوان با عبارات خاص تعریف کرد، موثرتر خواهد بود. این جنبش که در ربع آخر سده ی نوزدهم پدیدار شد، بیش از همه در آثار نمایشی موریس مترلینگ تجلی یافت. همچون نمایشنامه های "شاهدخت مادلن"، "مزاحم"، "کوران"، "اندرون خانه".

برخی از فواید آشنایی با ژانر

- 1- تنوع سلیقه نزد تماشاگر
 - 2- افزایش اشکال مختلف نمایشی و برتری سطح کیفی
 - 3- آشنایی با تئاتر روز جهان در کشورهای مختلف با توجه به فرهنگ ملل دنیا
 - 4- آشنایی با نویسندگان نوآور
 - 5- رهگشایی برای موضوعات و ساختارهای تازه و تفکری نو
 - 6- دسته‌بندی در کتب آموزشی، تسهیل آموزش و وجود الگوی شناخت
 - 7- استفاده بهینه از امکانات موجود
 - 8- آشنایی بیشتر با مکتب‌ها، سبک‌ها و شیوه‌های اجرایی متفاوت و ...
- هنر نمایش، عنصری جدای از زندگی انسان نیست و مسلماً کلی‌ترین بخش‌بندی زندگی انسان، شامل لحظات تراژیک - کمدی و لحظاتی مرکب از هر دو است. نمایش در هر شکل و صورتی به این موارد تنه می‌زند و خنده، گریه یا مخلوطی از هر دو در آن نمود پیدا می‌کند. تقسیم‌بندی خاصی که مطرح می‌شود به معنای زیرپا گذاشتن اصول تراژدی و کمدی نیست، بلکه سعی دارد زیرمجموعه‌های آنها را تا حد امکان آشکار سازد.

کلمه ژانر در ترجمه لغوی نیز به سادگی به موارد مطرح شده در معنای ادبی - هنری اشاره دارد.

Genre در فرهنگ لغات به معنی نوع، قسم، طبقه، دسته، جنس، طریقه و ... آمده است.

طبقه‌بندی‌ای که در زیر می‌آید برگرفته از کتب و مقالات مختلفی است که هر کدام تعاریف و

دسته‌بندی‌های متعددی را مطرح کرده‌اند. جمع‌آوری این تعاریف و در کنار هم قرار گرفتن آنها

می‌تواند به فهرستی مناسب تبدیل شود که اکثر ساختارها و موضوعات نمایشی را در بر می‌گیرد. از

تعریف دسته‌های اصلی شامل تراژدی، کمدی و تراژدی کمدی به دلیل تکرار مکررات خودداری

شده است.

ذکر چند نکته مهم درباره این مقاله ضروری است:

1- تقسیم‌بندی‌های ذکر شده براساس اطلاعات و آمار و ساختارهایی انجام شده است که تا سال 1980

میلادی در دسترس بوده‌اند. بدیهی است که پس از گذشت سال‌ها و رسیدن به سال 2007 تعاریف

بسیاری به این مجموعه اضافه شده و ژانرشناسی دچار تغییرات اساسی شده است. با توجه به رشد

بی‌سابقه دنیای رسانه‌ها و اطلاعات و تلفیق تکنولوژی با هنر نمایش، امروزه شاهد ژانرهای بسیار

متنوع و تازه‌ای در این زمینه هستیم.

2- هر اثر نمایشی می‌تواند چند ژانر را در بر گیرد. می‌توان ترکیبی از چند ژانر مختلف را برای

توصیف و طبقه‌بندی یک نمایشنامه به کار گرفت. بنابراین مثال‌هایی که در این راهنما آمده است،

قطعی نیستند و تنها نشان دهنده خصیصه بارز آن است. اصولاً برای تعیین ژانر یک نمایشنامه یا اثر

نمایشی باید از دو منظر موضوع و ساختار به اثر نگاه کرد و چنین است که یک نمایش یا نمایشنامه

می‌تواند تلفیقی از ژانرهای مختلف باشد.

3- برخی زیرمجموعه‌های فرعی از این راهنما حذف شده‌اند تا خواننده راحت‌تر بتواند تقسیم‌بندی

ارایه شده را با نمایشنامه‌های موجود تطبیق دهد. تعاریف، کلی هستند و بیشتر، نظریات «هیو

هولمن» را در برمی‌گیرند که ناگفته پیداست این نظریات قطعی و مکفی نیستند. شناخت ژانرهای مختلف هنر نمایش و گشودن راهی برای هر چه نزدیکتر شدن به ساختارهای بین‌المللی و تازه، هدف این نوشته است که امیدوارم به رغم خطا و لغزش‌ها، مورد استفاده قرار گیرد.

4- برخی ساختارهای مطرح شده به دلیل اینکه در نمایشنامه به شکل مشخصی جای نمی‌گیرند و بیشتر با عناصر دیگر نمایشی چون کارگردانی، بازیگری، دکور، نور و ... سر و کار دارند، فاقد مثال در بخش نمایشنامه هستند.

1- اقتباس Adaptation

نویسنده این گونه نمایشنامه‌ها از اثر دیگری به عنوان مبدا، برای نوشتن نمایشنامه استفاده می‌کند. اقتباس، شامل بخش‌ها و شیوه‌های گوناگونی است. تبدیل فیلمنامه، رمان، داستان و ... به نمایشنامه نیز در این رده قرار می‌گیرد.

مثال: «فاسدان» نوشته «آملین گری» اقتباسی از «هنری چهارم» اثر «شکسپیر».

۲_ انتزاعی Abstraction

نمایشنامه‌ای که کاملاً یا بخشی از آن غیرتجسمی است. به شکل ذاتی و ازلی اشیا و انسان می‌پردازد و ساختاری مفهومی دارد.

مثال: «بدیهه‌سازی اوهایو» نوشته «ساموئل بکت».

3- انتقادی - اجتماعی Problem Play

شکلی از نمایشنامه که بنای آن بر طرح موضوعات اجتماعی و نقد آن است. دیرینگی این گونه نمایش به دوران یونان کهن می‌رسد.

مثال: «کمدی داوری» نوشته «مناندر».

4- نمایش بورژوا Bourgeois Drama

در آخرین سال‌های سده هجدهم شکل گرفت. این شیوه نوشتاری در برابر اصلی از کلاسیسم که نویسندگان را ناچار می‌کرد، قهرمانان را از اقشار بلند پایه جامعه مثل پادشاهان، نجبا و ... انتخاب کنند، طغیان کرد و قهرمان را از طبقه متوسط برگزید. تاکید بر اخلاق اقشار میانه، زندگی با تقوا و پرهیزکاری بورژوازی از مواردی هستند که در این گونه نمایشنامه‌ها دیده می‌شوند. مثال: «عید پاک» نوشته «یوهان آگوست استریندبرگ».

5- تئاتر افسورد Theatre of Absurd

نمایشنامه‌های اروپایی - آمریکایی حاصل ناامیدی خرده بورژوازی پس از جنگ جهانی دوم. این نمایش‌ها به بیان هستی بی‌معنی و کوشش‌های بیهوده انسان می‌پردازند. مثال: «در انتظار گودو» نوشته «ساموئل بکت».

6- پوچی Absurdity

استفاده از عناصر نهیلیستیک در عمق معنا و تم نمایشنامه. این‌گونه آثار، اغلب از عناصر کمدی با تمایل به نهیلیسم که وجود هرگونه پایه و اساس دانش و حقیقت را انکار می‌کنند، سود می‌جویند. مثال: «بیابید مو بخوریم» نوشته «کارل لازلو».

7- کمدی افسورد Absurd Comedy

نمایشنامه‌ای که به وضوح، غیرواقعی و نامعقول به نظر می‌رسد و از این رو خنده‌دار است. عناصر کمدی و تفکر عقلانی در کنار بی‌قید و بندی افسورد قرار می‌گیرد. مثال: «چی گفتی و برای چی؟» نوشته «جیمز پال دی».

8- کمدی بزرگسال Adult Comedy

برخوردی فکاهی و خنده‌آور با نبرد همیشگی و مسایل درگیرانه میان جنس مذکر و مونث که گاهی به روابط خصوصی می‌پردازد و از حد و مرز خود فراتر می‌رود. مثال: «هرزه» نوشته «تام گیلپی».

9- کمدی عجیب و غریب Bizarre Comedy

نمایشنامه‌ای که به شکل خیرمکننده و غیرقابل تصور به مسایل کم اهمیت می‌پردازد و در عین سطحی بودن، سرگرم‌کننده است و مسایل مهم و جدی، مشکلات ژرف زندگی و اتفاقات عجیب را در این قالب و با استفاده از روشی هزل‌گرایانه و خودمانی مطرح می‌کند. مثال: «فاسق» نوشته «هارولد پینتر».

10- کمدی سیاه Black Comedy

نمایشنامه‌ای که به طور ذاتی کمدی است و عناصر آن را در بردارد، اما به مسایل جدی و عناصر تلخ و تاریک زندگی بیشتر اهمیت می‌دهد و لزوماً پایان خوشی ندارد. مثال: «نمایشی برای میکروب‌ها» نوشته «ایزریل هورو وینز».

11- مونولوگ کمدی Comedic Monologue

نمایشنامه‌ای تکنفره که کم و بیش دارای شوخی‌ها و رفتار و موقعیت و شخصیت کمیک است و پایانی غیرتراژیک دارد.
مثال: «خط مقدم» نوشته «وان نیگرو».

12- کمدی دراما Comedy Drama

نوعی نمایشنامه کمدی که در آن عناصر سبک و سنگین با یکدیگر تلفیق می‌شوند. ساختار آن بیشتر به کمدی نزدیک است، اما موارد جدی و خطیر هم در کنار شوخی و کمیک مطرح می‌شوند.
مثال: «پس از واقعیت» نوشته «جفری سوییت».

13- کمدی قافیه و وزن Comedy in Rhyme and Rhythm

نمایشنامه‌ای خنده‌آور و مضحک با استفاده از موسیقی و اشعار سبک و ضعیف و خودمانی.
مثال: «خانم‌های گردگیر» نوشته «آرند هریتس».

14- کمدی ساتیر Comedy Satire

نمایشنامه‌ای کمدی که از حماقت، زشتی، کندذهنی، نقص، عیب، فساد و ... سو استفاده می‌کند و این خصایص را در انسان‌ها مورد تمسخر قرار می‌دهد.
مثال: «آرزوهای ممنوع» نوشته «سوزان گلاسپر».

15- کمدی وسترن Comedy Western

نوعی کمدی که با مفاهیم کهنه و قدیمی غرب شوخی می‌کند. این کمدی ممکن است در فضای غرب وحشی یا فضایی مشابه فیلم‌های وسترن، رخ دهد.
مثال: «میدان‌های دوئل» نوشته «اریک فرگوسن».

16- طرح کمیک Comic Sketch

نمایشنامه‌ای کوتاه و بی‌قاعده و غیررسمی با تاکید بر روی عدم تجانس. این اثر یک هجو ادبی است.
مثال: «آقای پا» نوشته «مایکل فراین».

17- کمدی هجو Comic Skit

دارای خصوصیات کمدی با تکیه بر هجو کلامی و موقعیت و مسخرگی که کوتاه و بی‌قاعده است.
مثال: «مردی روی لبه» نوشته «رندی گلورین».

18- کمدی پیش پرده Curtain – Raiser Comedy

کمدی کوتاهی که برای اجرا پیش از برنامه اصلی در نظر گرفته می‌شود و به صورتی است که به معرفی مفهوم مهم نمایش اصلی می‌پردازد.
مثال: «آقای شادی» نوشته «دیوید ممت».

19- کمدی تیره Dark Comedy

در اصل و ذات، کمدی است، اما مسایل نه چندان زیبا و اندوه بار و خشن را مطرح می‌کند.
مثال: «سکوت بانو آن» نوشته «جولز تاسکا».

20- کمدی فانتزی Fantasy-Comedy

نمایشنامه‌ای که بر اساس عناصر کمیک، شخصیت‌سازی شده و در فضای آزاد و بی‌قید و بند خیال و وهم اتفاق می‌افتد. این کمدی را کمدی تخیلی نیز گفته‌اند. افراط و زیاده‌روی در عمل و بی‌قانونی از دیگر خصوصیات آن است.
مثال: «راهی به بهشت» نوشته «داگلاس پارک هرست».

21- کمدی موزیکال Musical Comedy

نمایشنامه‌ای خنده‌آور که کاملاً به شکل آهنگین اجرا می‌شود و شعر و موسیقی در آن نقش اساسی دارند.
مثال: «شکار اسنارک» نوشته «یوجین جکسن».

22- کمدی رمانتیک Romantic Comedy

نوعی نمایشنامه کمدی که موضوع اصلی آن عشق میان زن و مرد است. عناصر کمدی و احساسی در این‌گونه نمایشنامه‌ها در هم می‌آمیزند.
مثال: The New Quixote نوشته «مایکل فرین».

23- کمدی ساتیریک Satiric Comedy

تلفیقی از ساتیر و کمدی است.
مثال: «ملکه‌های فرانسه» نوشته «تورنتون وایلد».

24- کمدی احساساتی Sentimental Comedy

نمایشنامه‌ای بر پایه احساسات رقیق و سبک و لحظات شوخی و کمیک. مثال: The 75 th نوشته «ایزریل هورو ویتز».

25- کمدی بورژوا Bourgeois Comedy

دارای خصوصیات اصلی نمایشنامه‌های بورژوازی در کنار عناصر کمیک. همان شخصیت‌ها و وقایع نمایش‌های افشار متوسط جامعه به زبانی کمیک در این نمایشنامه‌ها جان می‌گیرند.

26- نمایش تمثیلی Allegory

نمایشنامه‌ای که افراد و اشیا و اتفاقات در آن دارای معانی و مفاهیم و ارزش دوگانه‌ای هستند و جز معنی اولیه خود به معنای والاتر نیز اشاره دارند. مثال: «Dansen» نوشته «برتولت برشت».

27- آوانگارد Avant-Garde

نمایشنامه‌ای که قوانین و قواعد از پیش تعیین شده و عرف جامعه را زیر پا می‌گذارد. مثال: «ترس‌های بچه‌گانه» نوشته «امانوئل پلوسو».

28- صحنه برهنه Bare – Stage

نمایشنامه‌ای بدون احتیاج به وسایل صحنه که اجرای آن می‌تواند بدون آکسسوار یا با حداقل امکانات صورت گیرد. گاهی به نام Open-Stage نیز شناخته می‌شود.
مثال: «خاطرات تدریجی» نوشته «بری لیتواک».

29- طرح ساده Brief Sketch

یک هجو ادبی، بدون ساختار قانونمند، کوتاه.
مثال: «شب» نوشته «هارولد پینتر».

30- اپرای خانگی Chamber Opera

اپرایی برای سالن تئاتر خانوادگی و یا افرادی خاص و محرم.
مثال: «اگنس» نوشته «مایکل جان لاجیوزا».

31- اپرا Opera

نمایش منظومی که به شکل موسیقی در آمده باشد و مکالمه در آن نباشد. کلمات به شعر هستند و با آواز خوانده می‌شوند. موسیقی، آن را همراهی می‌کند و گاهی رقص هم در آن دخیل است. ترکیبی از هنرهای موسیقی، نور، آواز، رقص و ... که به صورتی مجلل و پرزرق و برق است.

۳۲- اپرت Operet

اپرایی کوتاه و مسخره. شکلی از اپرای شادی‌آور سبک که موسیقی و آواز شاد، جای اصلی را در مجموعه آن به خود اختصاص داده‌اند.

33- نمایش تاریخی Historical Drama

نمایش تاریخی انگلیسی با چهل و چند سال دوران شکوفایی خود، یک پدیده و بی‌نظیر در تاریخ تئاتر است. وظیفه آن نه تنها سرگرم کردن، بلکه ارائه اطلاعات، تبلیغ، آشنا کردن با سیاست و فلسفه بود. این دراما جای واقعه‌نگاری، مطبوعات دوره‌ای، روزنامه گویا و ... را می‌گرفت. البته نمایش تاریخی به طور لزوم نباید نعل به نعل از روی تاریخ برداشت شده باشد بلکه تلفیق تاریخ و داستان‌پردازی نمایش در آن مطرح است. مثال: «هنری چهارم» نوشته «ویلیام شکسپیر».

34- نمایش خانگی Chamber play

نمایش یا نمایشنامه‌ای که برای اجرا در منزل یا مکانی خصوصی مهیا شده باشد. مثال: «شنیدن» نوشته «ادوارد آلبی».

35- کورئو پوئم Choreo poem

نمایشی توأم با رقص که به صورت نظم نوشته شده باشد. این نوع نمایش به اپرا نزدیک است اما لزوماً به آن شکل از موسیقی استفاده نمی‌کند و شعر و رقص، بیشتر به عنوان مکمل در کنار یکدیگر قرار دارند.

مثال: «از بامیه تا سبزیجات» نوشته Ntozake Shange

36- Craft Cycle

نمایشنامه‌های قرون وسطایی و براساس کتاب مقدس، محصول صنف بازرگانان و پیشه‌وران انگلستان و اسکاتلند.

مثال: «هبوط لوسیفر» از کتاب N.Towne Plays

37- دراما Drama

نمایشنامه‌ای جدی که درباره موضوعات مهم و اساسی بشری صحبت می‌کند و می‌تواند با تراژدی یا کمدی و یا دیگر ژانرهای نمایشی تلفیق شود.
مثال: «کاسپر» نوشته «پیتز هاندکه».

38- مونولوگ دراماتیک Dramatic Monologue

نمایشنامه‌ای جدی و تک نفره که معمولاً و نه به طور لزوم، کوتاه است. گاه این اصطلاح به بخشی از نمایشنامه‌ها نیز اطلاق می‌شود.
مثال: «کابوس ساعت‌ها» نوشته «وان نیگرو».

39- خوانش دراماتیک Dramatic Reading

اجرا و خواندن موارد و نوشته‌هایی غیر از یک نمایشنامه، روی صحنه است. قراردادن تئوری‌های فیزیک به جای سطور نمایشنامه و اجرای آن در همین دسته‌بندی قرار می‌گیرد که «آن بوگارت» این کار را انجام داده است.
مثال: «لحظات مهم سخنرانی در آمریکا» نوشته «ول چیتهم».

40- نمایش دو نفره Duo Logue

نمایشنامه‌ای برای دو نفر - فارغ از ساختار یا شکل آن.
مثال: «فلفل و شن» نوشته «املین ویلیامز».

41- نمایش فانتزی Fantasy Drama

نمایشنامه‌ای که بر اساس عناصر دراما شخصیت‌سازی شده، ولی در فضایی تخیلی و بی‌قاعده اتفاق می‌افتد.
مثال: «گفتگوهای با بانوی اسپانیایی» نوشته «رابرت شنکان».

42- فارس Farce

نمایش خنده‌آوری که در آن طرح و کنش و موضوع بر شخصیت و مفهوم، تسلط دارند.
مثال: «سازگاری» نوشته «آلبرت برمل».

43- فارس ملودراما Farce – Melodrama

تعریف فارس به علاوه گزاف‌گویی و اغراق تئاتریکال، شخصیت‌پردازی سطحی با برتری طرح و کنش فیزیکی و ...
مثال: «معمای غیرقابل حل بانکداران» نوشته «کلیو هابولد».

44- مونولوگ نیم ساعته Half – Hour Monologue

نمایشنامه‌ای تک نفره در حدود نیم ساعت.
مثال: «تراشه‌ای در شکر» نوشته «آلن بنت».

45- ماسک Masque

نمایش سرگرمی‌ساز، مجازی و تمثیلی که در قرون 16 و 17 طرفدار داشت و هنوز هم هر از گاه روی صحنه می‌رود. این گونه نمایشی می‌تواند به اشکال کمدی یا تراژدی و ... درآید. با این تفاوت که ماسک بر چهره بازیگران از عناصر اصلی نمایش است.
مثال: «متل» نوشته «ژان کلود ون ایتالی».

46- ملودراما Melodrama

پیدایی این شکل دراماتیک با ظهور ذوق و علاقه مردم به مناظر طبیعی اتفاق افتاد. نگارگری مناظر طبیعی به تدریج گسترش می‌یابد و تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر تزیینات صحنه‌ای می‌گذارد. این نمایشنامه‌ها دارای عناصر افراطی یا اغراق شده تئاتریکال، شخصیت‌پردازی‌های سطحی و احاطه و تسلط طرح و کنش فیزیکی هستند. در قدیم این اصطلاح به نمایشی اطلاق می‌شده که با ساز همراه بوده است. ولی امروزه به نمایشی گفته می‌شود که مخصوص عوام نوشته شده و جنبه احساسی شدیدش بر جنبه ادبی آن غلبه دارد. مثال: «بی‌روح» نوشته «ری برادبری».

47- میم Mime

نمایش بدون کلام. در میان یونانیان و رومیان قدیم به نمایشی گفته می‌شد که در آن مولف، اخلاق و عادات مصطلح را تقلید می‌کرد و در نمایش او اشخاص و حوادث حقیقی به‌طور مسخره عرضه می‌شدند. اما امروزه به نمایشی گفته می‌شود که هنرپیشه با حرکات دست و صورت و بدن، احساسات و عواطف درونی یا حوادث را بیان کند. مثال: «حرکت بدون کلام» نوشته «ساموئل بکت».

48- مونودراما Monodrama

نمایشنامه‌ای برای یک بازیگر که ممکن است چند شخصیت هم در آن وجود داشته باشد. مثال: «یک شخص» نوشته «رابرت پتريک».

49- نمایش اخلاقی Morality play

نمایشنامه‌ای که شامل شخصیت‌های تمثیلی است و به نمایش‌های انتزاعی نیز نزدیک است. این گونه در قرون 15 و 16 میلادی محبوبیت داشت. اما امروزه نیز در ارتباطات مدرن میان نمایشنامه‌نویس

و تماشاگر به کار گرفته می‌شود.
مثال: «سحر خواهد آمد» نوشته «دیوید و این استاک».

50- تئاتر مولتی مدیا Multimedia Theatre

ترکیبی از اشکال مختلف هنری که به صورت زنده روی صحنه اجرا می‌شوند. موسیقی، هنرهای تصویری فیلم و ویدیو و

مثال: Canada Ending And Other Wars of 1812

51- راز Mystery

این واژه در ادبیات نمایشی به دو شکل متفاوت استفاده شده است. 1- نوعی نمایشنامه قرون وسطایی درباره تمامی وقایعی که بر مسیح و مریم مقدس گذشت. 2- تاکید روی وقایع بدون توجیه، ناشناخته، مرموز و مخفیانه که در پایان همراه با یک آشکارسازی و نتیجه‌گیری کلی است.
مثال برای نمونه دوم: «دوبطری چاشنی» نوشته «لرو دانزنی».

52- ملودرامای رازآمیز Mystery Melodrama

تلفیقی از ملودراما در کنار تئاتر راز از نوع دوم.
مثال: «موش‌ها» نوشته «آگاتا کریستی».

53- نمایش مصیب Passion play

نمایشی از زندگی و مصلوب شدن عیسی مسیح.

54- نمایش آوا و کوبش Piece for Voice and Percussion

نمایشی وابسته به آواهای رسا و کوبش سازها که بیشتر به شکل آیینی نمایش نزدیک است و صدا در آن نقش اصلی را ایفا می‌کند.
مثال: «زبان‌ها» نوشته «سم شپارد - جوزف چایکین».

55- نمایش توام با موسیقی Play with Music

نمایشی وابسته و مرکب با موسیقی.
مثال: «بیرون خانه پدری ما» نوشته «پائولا وگنر - جک هافسیس - ایو مریام».

56- نمایشنامه رادیویی Radio Play

نمایشنامه‌ای برای شنیدن و تصور کردن. استفاده از عنصر تخیل و صداسازی برای ایجاد فضای نمایشی. افکت، موسیقی و دیالوگ از مهم‌ترین عناصر آن هستند.
مثال: «سه موش کور» نوشته «آگاتا کریستی».

57- جنگ نمایشی Revue

موقعیتی دراماتیک یا کمدی کوتاه که به صورت بخشی مجزا در یک برنامه اجرا می‌شود. گاهی اوقات به اصطلاح Black out از آن نام برده می‌شود.
مثال: «داوطلب» نوشته «هارولد پینتر».

58- رومنس Romance

نمایشنامه‌ای که موضوع اصلی آن عشق است و ماجراجویی در آن وجود دارد.
مثال: Still-love نوشته «رابرت پتريک».

59- فارس رمانتيك Romantic Farce

نوعی نمایشنامه کمدی که تلفیقی است از موقعیت‌های هجوآمیز خنده‌آور و مسایل احساسی و عاشقانه.
مثال: «تقليد ادبی» نوشته «نيك هال».

60- ساتير Satire

نمایشنامه‌ای که حماقت‌ها، کند ذهنی‌ها، فساد و گناه و ... را به تمسخر می‌گیرد.
مثال: «اگر مردها مثل زن‌ها ورق بازی می‌کردند» نوشته «جورج اس. کافمن».

61- فانتزی ساتيريك Satiric Fantasy

نمایشنامه‌ای غیرواقعی و تخیلی که شامل خصوصیات ساتیر در مکان و زمان غیرواقعی به همراه شخصیت‌های تخیلی می‌شود.
مثال: «مثل» نوشته «ژان کلود ون ایتالی».

62- نمایش علمی تخیلی Science Fiction play

نمایشنامه‌ای پیش‌بینانه که انسان در آن از علم استفاده می‌کند. پیشرفت‌های علمی اکتشافات، اختراعات و ... از مواردی هستند که در این آثار مطرح می‌شوند و حتی ممکن است مانند آثار ژول ورن

پیش‌بینی‌های علمی نیز در آن صورت گیرد.
مثال: Camera Obscura نوشته «رابرت پتريک».

63- نمایشنامه صوتی بصری کوتاه Short Audio and Visual Piece

نمایشنامه‌ای کوتاه وابسته به قدرت و امکانات صوتی و بصری با تجربه‌ای در مینی‌مالیسم.
مثال: «نفس» نوشته «ساموئل بکت».

64- درام تعلیقی Suspense Drama

نمایشنامه‌ای که تمرکز آن روی مسایل توجیه‌ناپذیر است و عوامل رمز و راز در آن دخیل هستند.
معمولا یک آشکارسازی در پایان آن وجود دارد و ایجاد اضطراب و ترس در تماشاگر از خصوصیات اصلی آن است.
مثال: «دفتر خاطرات» نوشته «مارشا آن شنک».

65- نمایشنامه سمبولیک Symbolical play

نمایشنامه‌ای نمادین و کنایه‌ای که عناصر آن قابل بسط و گسترش به نمونه‌های واقعی هستند.
مثال: «کسی از آسیسی» نوشته «تورنتون وایلد».

66- نمایش شعری Theatre Poems

انتخاب‌های جداگانه اشعار و در کنار هم قرار دادن آنها در یک قالب تئاتری.
مثال: Savage love نوشته «سم شپارد - جوزف چایکین».

67- تریلر (هیجان‌انگیز) Thriller

نمایشنامه‌ای که وابسته به غافلگیری‌های طرح و پیچش‌های داستانی است.
مثال: «ده سیاهپوست کوچولو» نوشته «آگاتا کریستی»

68- کارآگاهی - معمایی Detective and Mystery

نمایشنامه‌ای که در آن شخصیت کارآگاه به عنوان شخصیت محوری حضور دارد و معمولاً با یک معما (قتل) رو به رو می‌شود و مرحله به مرحله به حل معما نزدیک می‌شود.
مثال: اکثر نمایشنامه‌های آگاتا کریستی.

69- جنگ War

نمایشنامه‌ای که موضوع اصلی آن حول محور جنگ و اتفاقات آن یا تبعات پس از آن می‌گردد.
مثال: «در منطقه جنگی» نوشته «یوجین اونیل».

70- نمایش مستند Documentary Drama

آغاز آن از دهه 60 و در آلمان غربی بود و ویژگی آن نشان دادن رویدادهای واقعی بر صحنه که بنای آنها پرسش‌های اخلاقی، گناه و مسوولیت در کارهای عمومی بوده است.

71- تناتر مدرن Modern Drama

جنبش بازساخت نمایش در اروپا که در ربع آخر قرن نوزدهم شروع شد و انگیزه اصلی آن واقع‌گرایی بود.

72 نمایش سیاسی Political Drama

بر موضوعات سیاسی روز تکیه دارد، دارای تاریخ مصرف است و دارای دیالوگ‌های شعارگونه و ایدئولوژیک و ... است.
مثال: «ترس و نکبت رایش سوم» نوشته «برتولت برشت».

"سورئالیسم"

جنبش ادبی و هنری دهه های 20 و 30 سده بیستم در اروپا. هنرمندان این جنبش فرم را به عنوان کار خودانگیزته ذهنی ناب مطرح می کرده که با ابزاری چون کلام، نوشته و جز این جریان واقعی اندیشه را بیان می کند. لذا بیان اندیشه بی حضور نظارت عقلی و فارغ از تمام زیبایی شناسی یا شگفتی اخلاقی صورت می گیرد. از این جهت سورئالیست ها شباهت هایی با رومانتیست ها داشتند. با این تفاوت که سورئالیست ها حیطه و اختیار هنرمند را فراتر از حدود رومانتیسم بردند. هدف آنها کشف منظم و مدام حیطه ها و حوزه های غیر عقلانی بود. و اساس کار آن اندیشه ی ضمیر ناخودآگاه و کیفیات وهمی و رویا گونه و تداعی آزادمانی بود. و از این رو به خلاقیت هنری جنبه ی خودانگیزته دادند. در نمایش سورئالیستی، یا شاهد رویاها و تصورات غریب او هستیم. جنبش سورئالیسم دوام چندانی نیاورد و با ظهور فاشیسم در اروپا قدرت آن کم فروغ شد.

"تناتر پوچی"

تناتر پوچی هیچ گاه به عنوان مکتبی واحد به وجود نیامد، بلکه مرکب از گروهی نمایشنامه نویس بود که کم و بیش در زمان واحدی ظهور یافتند و تقریباً دیدگاه مشابهی نسبت به زندگی داشتند. آنچه به این گروه اهمیت می بخشای ید، نظر بدبینانه ی آنها نسبت به هستی نبود، چه این کار پیش از آنها در

روزگار اورپیید شده بود. مهم این حقیقت بود که کوشیدند "شکل" نمایش را با مضمون یا محتوای آن تطبیق دهند. به بیان دیگر این گروه ظاهراً معتقد بودند که اگر زندگی بی معنا و پوچ است این پوچی را فقط می توان به کمک شکلی همانقدر پوچ و بی معنا بیان کرد. از این حیث آنها وارثان هنری مکتب دادانیسم بودند. مشهورترین نمایشنامه نویسان این سبک ساموئل بکت با نمایشنامه های معروفی همچون "ذر انتظار گودو" و "پایان بازی" و اوژن یونسکو با نمایشنامه هایی چون "آوازه خوان طاس" و "صندلی ها" هستند. اصطلاح پوچی را - به معنی بیان هستی بی معنی و کوشش های بیهوده ی انسان - برای نخستین بار آلبر کامو در مقاله اش به نام "اسطوره ی سیزیف" برای شرح موقعیت انسان به کار برد. (بنا به اساطیر یونان، سیزیف به سبب گناهی که مرتکب شده است، محکوم است تا ابد تخته سنگی را از دامنه ی کوهیبه طور دائم از پایین به بالا حمل کند، ام وقتی سنگ با زحمت زیاد به قله کوه برده می شود، دوباره به پایین می غلظد، و سیزیف ناگزیر است تا کار خود را دوباره تکرار کند. کار سیزیف نمادی از بیهودگی و بی حاصلی است.)

"امپرسیونیسم"

اکسپرسیونیسم در واقع شاخه ی جزئی تر امپرسیونیسم می باشد.

سبک امپرسیونیسم در واقع تمرکز کلی تری بر احساسات انسان دارد بگونه ای که تمام نمایش از شخصیت های مبهم و مخدوش به همراه اندیشه های القایشان تشکیل شده است.

به این گونه نمایش ها، نمایش های تاثیر گرایی هم می گویند.

امپرسیونیسم در نیمه دوم قرن نوزدهم بوجود آمد و توسط آنتوان چخوف ابداع شد.

"فرمالیسم"

تاریخچه سبک فرمالیسم به سال 1914 بر میگردد.

شاید بتوان اسم این سبک را سبک مستقل هم گذاشت چرا که فرمالیسم ها باور دارند ارزش یک اثر تنها و تنها به فرم آن (ساختار و ویژگی های نمایش) بستگی دارد یا تمام محتوای چیزهای ارزشمند یک اثر در خودش نهفته است.

ویژگی های سبک فرمالیستی عبارتند از:

• حذف زبان

• کوچک شدن تئاتر (بازی، میزانشن و..)

• گنگی

• انتظار از بیان

بنابراین هر اثری که جنبه های بیرونی را بیش از حد وارد کند و معنا را نادیده بگیرد، فرمالیسم محسوب می شود.

تئاتر اپیک (نمایش روایتی، ارسطویی) (Epic theatre)

نمایشی که دو جنگ خاص یا اهداف سیاسی خاص اساس آن باشد، اپیک تئاتر گفته می شود.

عدم ارتباط حسی بین مخاطب، اجرای روایت داستان به جای وقوع داستان یا قطع کردن نمایش در جاهایی که امکان رابطه و پیوند حسی نمایشنامه و مخاطب وجود دارد از ویژگی های این سبک است که بسیار نزدیک به نمایش تعذیه در ایران می باشد و ابداع آن توسط برتولت برشت (نمایشنامه نویس آلمانی) با الهام از تعذیه انجام گرفت.

ناتورالیسم (طبیعت گرایی) (Naturalism)

این سبک در پایان سده نوزدهم میلادی ابداع شد و از نظر فلسفه به قدرت کامل و محض طبیعت که نظم بی نظیری داشته باشد گفته می شود مانند بازگشت زندگی انسان ها به طبیعت در روند نمایش و

...

مدرنیسم

سبک مدرنیسم در واقع به معنی گرایش فکری و رفتاری به پدیده های فرهنگی امروزی و پیشرفته و پس زدن سنت های قدیمی انسان است.

دنیای مدرنیسم و پست مدرن بسیار گسترده و نامحدود است و ترکیبیت از جریان های متفاوت هنری، اقتصادی، فرهنگی و ... به همین دلیل تعریف درستی از آن در دسترس نیست.

کمدی کلاسیک (طنز کهن)

در ظاهر، هدف کمدی، خنده است اما در باطن آن، مسائل جدی تری (نقض های جامعه) مطرح می شود که کمتر کسی به آن توجه می کند.

شخصیت های کمدی معمولاً انسان های از قشر پایین جامعه هستند که دچار درگیری های بزرگ و کوچکی می شوند و با ظرافت های کارگردانی در نمایشنامه، صحنه های طنزی را تشکیل می دهند.

اما کمدی کلاسیک قوانین رسمی تری با خود به همراه دارد که از جمله آنها می توان به طنز های عقل پسند و عمیق و همینطور حرکات حساب شده بازیگران، اشاره کرد.

کمدی رمانتیک (کمدی عاشقانه)

در این نوع کمدی، روند نمایش با تمرکز بیشتر بر روی موضوع عشق جلو می رود و با آن به صورت خنده دار یا سبک سرانه رفتار می کند.

می توان گفت در این سبک، ساختارهای اساسی کمدی کلاسیک کمتر مورد استفاده قرار می گیرد.

از نمونه های بارز این سبک می شود به آثار ویلیام شکسپیر (شاعر و نمایشنامه نویس انگلیسی) اشاره کرد.

سبک کمدی رمانتیک به سده پانزده و شانزده میلادی مربوط می شود.

سبک بازیگری در یونان و روم باستان

در تئاتر یونان و روم باستان بازیگری به شکل نوین امروز نبوده است. بیشترین اهمیت را در آن دوران نحوه ی بیان بازیگر داشت. گروه همسرایان در بازی ها نقش بسیار مهمی داشتند. گروه همسرایان، گروهی در صحنه بودند که به روند داستان و بازیگر کمک می کردند. بازیگر بسیاری از دیالوگ ها را با این گروه داشت. زبان دراماتیک در این دوران زبان رسمی و حتی خطابه مانند بود. بازیگران می بایست کلام فاخری داشتند. بازیگری در این دوره اغلب بر سه محور گفتاری، تحریری، آوازی بود.

بازیگرانی بازیگر خوب به شمار می آمدند که بتوانند مانند یک خواننده ی اپرا آواز بخوانند. در این دوره چهره ی بازیگر به هیچ عنوان حائز اهمیت نبود. پس ترفند حس در صورت یا میمیک در عمل استفاده نمی شد. بازیگران دوران یونان باستان صورتک به چهره داشتند. شاید به همین دلیل بود که چند نقش را یک بازیگر می توانست در صحنه ایفا کند.

سبک بازیگر در قرن نوزدهم – استانیسلاوسکی

متد استانیسلاوسکی یکی از مهم ترین روش ها و سبک ها در سبک های بازیگری است که هنوز هم بیشترین استفاده از این سبک انجام می شود. استانیسلاوسکی اعتقاد داشت که بازیگر باید با شخصیتی که قرار است نقش آن را بازی کند، ارتباط عمیق حسی و فکری برقرار کند. استانیسلاوسکی همچنین بر تمرین بسیار بر صدا و بیان نیز تمرکز داشت. در واقع او مهم ترین عوامل را در بازیگری بدن، بیان، حس، ذهن و فکر و تخیل بازیگر می دانست. در کل می توان گفت که استانیسلاوسکی بر طبیعی بودن رفتار بازیگر و باورپذیر بودن آن بر روی صحنه اعتقادی راسخ داشت.



سبک بازیگری میخائیل چخوف

چخوف یکی از شاگردان خلف استانیسلاوسکی بوده نکاتی را به اصول بازیگری استانیسلاوسکی افزوده است. البته گفتنی است که این استاد بازیگری اختلاف نظرهایی نیز با استانیسلاوسکی داشته است. امروزه در بسیاری از آکادمی های معتبر و مشهور دنیا، متد بازیگری چخوف تدریس می شود.

متد بازیگر میخائیل چخوف بر دو عنصر بدن و تخیل استوار است. چخوف بهترین بازی را به گونه ای می داند که بازیگر حس را با حداقل کنش بیرونی یا اغراق به خوبی به مخاطب خود منتقل کند.



سبک بازیگری استلا آدلر

استلا آدلر بازیگری بود که در قرن بیستم (1901) در آمریکا متولد شد. او نیز یکی از شاگردان استانیسلاوسکی بود که بر اساس اصول بازیگری او اصولی نوین را بنیان نهاد. آدلر اعتقاد داشت که مخاطب تئاتر و سینما به سالن نمایش می رود برای اینکه لذت ببرد. وظیفه ی بازیگر نیز دادن لذت به مخاطب خود است. آدلر بر این عقیده است که وقتی کسی حرفه ی بازیگری را انتخاب کرد باید بداند که تمام وجودش صرف این حرفه شود.

آدلر اعتقاد دارد که یک بازیگر باید فرد صادقی باشد. این صداقت در بازیگری بسیار مهم است زیرا بازی خوب وقتی از کار در می آید که شما به عنوان یک بازیگر قانع شوید که آنچه انجام می دهید حقیقت دارد.



سبک بازیگری برشت

برشت "فاصله گذاری در تئاتر" را بنیان نهاد. او اعتقاد داشت که بازیگر نباید با نقش خود عجین شود و باید بین خود و نقشش فاصله گذاری کند. این اتفاق را باید با مخاطب نیز رعایت کند. یعنی تماشاگر تئاتر برشت باید همواره به یاد داشته باشد که در حال دیدن یک نمایش است که بازیگر در آن ایفای نقش می کند. او نباید با داستان و شخصیت داستان به گونه ای همذات پنداری کند که انگار او را باور کرده است. برشت در تمام مدت سعی می کند که تئاترش چه بازیگر و چه داستان، از برانگیختن احساسات زودگذر اجتناب شود. تئاتر برشت تئاتری انتقادی و تعقل گراست.



سبک بازیگری لی استراسبرگ

استراسبرگ بازیگر و فیلمساز لهستانی تبار آمریکایی بوده است که در سال 1901 متولد شد. او بازیگردانی بسیاری از نقش های ماندگار سینمای جهان از جمله نقش آل پاچینو در پدرخوانده ی 2 را بر عهده داشته است. او شاگردان مشهوری چون مارلون براندو، مرلین مونرو و جانی دپ را تربیت کرده است.

سبک استراسبرگ را سبک "متد" نیز می نامند. او اعتقاد داشت که بازیگر باید احساسات و اندیشه ی نقش را با تمام وجود تصور کند. او تمرینی را برای بازیگر واجب می داند که به تمرین "اتصال به شخصیت" معروف است.



سبک بازیگری مایزنر

از دیگر سبک های بازیگری مهم سبک یا متد مایزنر است. سنفورد مایزنر بازیگر و مدرس بازیگری آمریکایی بوده است. برخی از شاگردان مایزنر بازیگرانی معروف چون گریگوری پک، رابرت دوال، گریس کلی و دایان کیتون بوده اند. مایزنر معتقد بود که بازیگر نباید از احساسات کنونی یا تجربه شده ی خودش برای ایفای نقش استفاده کند. بازیگر می بایست بر اساس قصه ی درام و سلوک شخصیت، احساسات جدیدی را تجربه کند و سپس بروز دهد.



متد بازیگری یوتا هیگن

یوتا هیگن بازیگر سینما و تئاتر اهل کشور آلمان بود که با تکیه بر دستاوردهای استانیسلافسکی از حافظه حسی برای رسیدن به شخصیت یاد می کرد. او واقع گرایی در بازی و حقیقت را در بالاترین جایگاه ممکن متصور می شد. تا جایی که هر اتفاقی در برابر دوربین یا بر روی صحنه روی دهد باید بخشی از بازی شما شود و شما به صادقانه ترین شکل ممکن آن را بازی کنید. واکنش شما به هر چیزی باید صریح و ساده باشد. برای هیچ لحظه ای نباید فکر کنید و تنها در نقش و قصه رها باشید. سیگورنی ویور و جک لمون از شاگردان شاخص این استاد بازیگری بودند. که از سبک های بازیگری یوتا پیروی میکردند.

ویولا اسپولین

تکنیک ویولا اسپولین مبتنی بر بداهه سازی است. او تمرینات خود را بازی های تئاتر نامید. این بازی ها برای ترغیب بازیگران به استفاده از خودانگیختگی در صحنه ، طراحی شده اند. رویکرد بازی های تئاتر ویولا اسپولین باعث می شود دانش آموزان فوراً پاسخ دهند و در لحظه زندگی کنند.

نتیجه:

بازیگری ، مانند هر حرفه ای ، نیاز به مطالعه دارد. این یک کاردستی است و مراحلی که با آن می گذارید همراه با تمرین های زیادی است به نظر می رسد بازیگرانی که در تلویزیون ، فیلم ها و تئاتر می بینیم به طور خودکار می دانند چگونه می توانند یک شخصیت را در یک صحنه زنده کنند. انواع مختلفی از آموزش و رویکردهای بازیگری به بیشترین انتخاب تبدیل شده است. اینها در کلاسهای بازیگری تدریس می شوند.

تئاتر و بازیگری به تاریخ های یونانی ، رومی ، شکسپیر و تاریخ باز می گردد اما در اینجا برخی از سبک های فعلی ارائه شده است. قدیمی ترین آنها استانیسلاوسکی است. کنستانتین استانیسلاوسکی ، بازیگر و کارگردان روسی ، به بازیگران توصیه کرد که احساسات و گذشته های خود را ترسیم کنند تا یک شخصیت را در یک موقعیت خاص به تصویر بکشند. همچنین از آن به عنوان "کلاسیک" یاد می شود زیرا استانیسلاوسکی همچنین بر اصول اولیه تئاتر بر صدا ، حضور جسمی و تمرین های زیاد تأکید می کرد. اما او خواستار پیروی از قوانین سختگیرانه نبود. او یک بار می گفت ، "روش خود را بسازید ... سنت های خود را ادامه دهید ، من از شما التماس می کنم."

استلا آدلر به اندازه کافی خوش شانس بود که در واقع با استانیسلاوسکی تحصیل کرد. او بازیگر و معلمی آمریکایی بود که شیوه بازیگری را توسط بسیاری از بازیگران مانند مارک روفالو ، رابرت دنیرو ، ملانی گریفیت و بنزیو دل تورو اتخاذ کرد. او به جای تلاش برای زنده نگه داشتن خاطرات دردناک واقعی ، از نقاشی روی تخیل در صحنه دفاع می کرد. او گفت که دادن این موارد به منظور "... ایجاد نقش ، بیمار و اسکیزوفرنی است."

لی استراسبورگ از سبک استانیسلاوسکی الهام گرفته شد اما ایده زندگی واقعی تجربیات شخصیت های آنها را اضافه کرد. سبک استراسبورگ معمولاً "روش بازیگری" نامیده می شود. آدریان بردی در به تصویر کشیدن یک بازمانده هالیوود با پیانو ، با فروش اموالی ، خود را گرسنه کرد و چهار ساعت

در روز شوپن را بازی کرد تا در این قسمت بازی کند. استراسبرگ ، خود بازیگر ، در سال 1982 درگذشت. با این وجود ، وی به برخی از مشهورترین بازیگران ما از داستین هافمن ، جولی هریس ، پل نیومن ، الک بالدوین و ال پاچینو آموزش داد.

سبک دیگر با استفاده از آماده سازی خاص تکنیک Meisner است. استنفورد میسنر این سبک را در دهه 30 خلق کرد. این شامل "تمرین های تکراری" با سایر بازیگران یک صحنه است.

او توصیه می کند که روی یکدیگر متمرکز شوید و یکدیگر را شخصیت واقعی بدانید. تکرار پاسخهای اصیل و آزادتر ایجاد می کند. برخی از پیروان این تکنیک نائومی واتس و جیمز فرانکو هستند.

جدیدترین تکنیکی که مورد مطالعه قرار می گیرد ، سبک زیبایی شناسی عملی است که توسط نمایشنامه نویس دیوید مامت و بازیگر ویلیام اچ میسی ساخته شده است. این سبک بسیار متفاوت به چهار مرحله تقسیم می شود. 1. تحلیل تحت اللفظی آنچه در صحنه اتفاق می افتد. 2. آنچه از بازیگر دیگر می خواهید. 3. آنچه خودتان می خواهید. 4. استفاده از تخیل برای به تصویر کشیدن کارهایی که در یک موقعیت مشابه انجام داده اید ، با استفاده از عبارت "گویی ..."

علاوه بر این سه سبک بازیگری ، تکنیک بازیگری چخوف نیز وجود دارد که یک رویکرد روانشناختی بیشتر برای تمرکز بر مشکلات داخلی شخصیت و حواس پنجگانه است. سایر معلمان محترم شامل اوتا هاگن ، ویولا اسپولین هستند.

مطلب رو یاد گرفتی یا نه؟!... با تو هستما.. آره خودت.
سبک ها رو نام ببر و گرنه با پیاز میخورمت جوجو



منابع :

- 1- دفترچه ادبیات، نوشته سی . هیو هولمن ، C.Hugh Holman چاپ چهارم، انتشارات آموزشی ، Bobbs-Merrill ایندیانا پلیس، آمریکا، 1980.
- 2- راهنمای نگارش نمایشنامه تک پرده‌ای، نوشته لوییس هینفورد، (Lewis. W. Heniford
- 3- دایره‌المعارف پلییاد، جلد اول و دوم، نوشته آندره شافنر و دیگران، ترجمه نادعلی همدانی، صفیه روحی، آزاده مستعان، انتشارات نمایش، تهران، 1383.
- 4- فرهنگواره داستان و نمایش، دکتر ابوالقاسم رادفر، انتشارات اطلاعات، تهران، 1366.
- 5- کتاب نمایش، خسرو شهریاری، دفتر اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، 1365.
- 6- فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی آریانپور، عباس و منوچهر آریانپور کاشانی، امیرکبیر، نوبت بیست و دوم، تهران، 1380.

